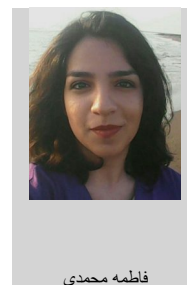


سایه شوم گرانی بر سلامت و حق تغذیه / فاطمه محمدی

ماهنامه خط صلح - سال نو فرا رسیده است، اما هم چنان مردم در گرانی ها و مشکلات معیشتی دست و پا می زنند. نوروز که بهانه ای برای دور هم بودن و فراغ از تنش های زندگی است، امسال بانی شرمندگی پدران، مادران و همسران در قبال فرزندان و خانواده هایشان شده است.

به مناسبت فرارسیدن سال نو، سری به بازارچه تجریش تهران زدیم تا ببینیم مردم برای عید امسال چه تدارکاتی در نظر گرفته و سبد خریدشان حاوی چه اقلام و اجناسی است.



در این بازارچه علی رغم شلوغی ها، تردها و رفت و آمدهای مردم، چندان خبری از کیسه های خرید در دست مردم نیست و بیش تر، تماشای مغازه ها رونق یافته است. در مسیر تردد "عمو نوروزها" در حال رقصیدن و گفتن تبریک هستند و البته منتظر دریافت عیدی ناچیزی از سوی مردم. اما این تنها وضعیت بازارچه تجریش و بازارهای مشابه است که مردم از تمام نقاط تهران به آن ها مراجعه می کنند و نوعی مرکز خرید محسوب می شوند. حقیقت وضعیت بازار کار و قدرت خرید مردم در محله ها و مناطق دیگر خودنمایی می کند. محله هایی که در آنها پرنده پر نمی زند و صاحبان مغازه ها در مغازه هایشان مشغول تماشای تلویزیون هستند

تصمیم گرفتیم از دیدن و تصور و تفکر فراتر رویم و برای شنیدن واقعیت از زبان مردم با آنان صحبتی کوتاه داشته باشیم.



در ابتدا به سراغ زوج جوانی که مشغول تماشای مغازه ها هستند، رفتیم.

هر دو کارمند شرکت سایپا هستند و همکار یکدیگر. می گویند سه سال از زمان ازدواجشان می گذرد و در این سه سال، چه شب عید، چه شب یلدا و چه در مناسبت های دیگر توان خرید اقلام خوراکی خاص این مناسبات را نداشته اند. برای گشت و گذار به بازارچه آمده اند و نهایتاً با صرف یک بستنی یا بلال تفریحشان را کامل می کنند. با وجود افزایش قیمت ها هم چنان افزایش حقوق شامل حالشان نشده و به قول خودشان مجبورند به روال "ندیدن مناسبت ها" و جریان زندگی "عادی" ادامه دهند. این زوج جوان اما خوشحال به نظر می آیند و گویی تصمیم گرفته اند به روی خود نیاورند که زندگی شان پر از کم و کاستی است تا لااقل لبخند را از خودشان نگیرند.

زن و مرد دیگری به همراه فرزندشان برای خرید به بازارچه آمده بودند. مرد میانسال که کارمند شرکت سایپا بود در گفتگو با ما با لحنی منتقد، عصبی و به ستوه آمده گفت: «دائم می گویند مردم خرید نکنند تا قیمت ها کاهش پیدا کند. من که نمی توانم برای بچه ام هزینه نکنم. بچه من گوشت نخورد، موز کیلویی خداتومان نخورد، پس چه بخورد؟ چطور رشد کند؟ از هرجایی». «هم که بتوانم پولش را جور می کنم».

پس از آن به سراغ مردی جوان با لهجه جنوبی رفتیم. بسیار خونگرم بود. خریدش تنها یک بسته شکلات بود. همان جا بسته شکلات را باز کرد و به من تعارف کرد. وقتی به سوالاتمان گوش می کرد، خستگی در چشمانش موج می زد. کارگر بود. او می گفت: «حتی یک ریال افزایش حقوق نداشته ام. همه درآمد صرف شام و ناهار و مایحتاج خانواده می شود. دیگر پولی برای خرید شب عید باقی نمی ماند. امسال مجبورم قید آجیل و شیرینی و میوه و غیره...را بزنم. ای بابا گرانی بیداد می کند».

کارگر جوان دیگری گفت: «صاحب کارم قول افزایش حقوق را به من داده اما نگفته چقدر یا چند درصد؛ باید ببینم چه می کند. هنوز که چیزی معلوم نیست». او با لیخند ادامه داد: «نمی توانم از خرید شب عید صرف نظر کنم؛ نمی شود که. می خواهم تمام خوردنی هایی را که سال های قبل می خریدم، بخرم؛ اما مجبورم کمتر بخرم.»



«قاعدتاً با نزدیک شدن به عید اجناس گران تر می شوند. اما همین است دیگر؛ باید ساخت

زنی جوان به همراه پسر خردسالش در حال تماشای اجناس است. می گوید همسرش فوت کرده و به خاطر مراقبت از فرزندش نمی تواند مشغول به کار شود. تحت حمایت یکی از سازمان های خیریه است. اما تا کنون به مناسبت عید نوروز هیچ کمکی به وی نشده و هم چنان منتظر آذوقه شب عید است. پرسیدم با این اوصاف چرا به بازار آمده اید؟ گفت: «بچه ام یک موقع در دلش نماند و نگوید مامان عید بود و مرا بیرون نبردی. می خواهم کمی دلش باز...شود. این کار که از دستم بر می آید».

پاسخ های مردم ما را برآن داشت که وضعیت بازار و رونق یا کساد بازار را از بازاریان جویا شویم و حرف های آنان را هم بشنویم.

به مرغ فروشی رفتیم و از صاحب مرغ فروشی -که مردی جا افتاده بود-، خواستیم فروش امسالش را با فروش سال گذشته در همین مقطع زمانی مقایسه کند. او گفت قدرت خرید مردم ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده است. هم چنین با نیش خندی گفت که فروشش در مقایسه با روزهای عادی حتی کم تر هم شده است. این فروشنده در پایان تاکید کرد: «اگر روابطمان با آمریکا بهبود ببخشیم و به کشورهای عربی کم تر کمک کنیم، فشار کم تری به مردم خودمان می آید». سپس رو به کارگش گفت: «درست می گویم!؟» کارگر مرغ فروشی نیز با نظر او موافق بود.

پس از آن به یک مغازه آجیل و خشکبار رفتیم. با صاحب مغازه که در گوشه ای روی صندلی نشسته بود و مشغول فکر کردن بود، صحبت کردیم. او نیز اذعان کرد قدرت خرید مردم نسبت به عید سال گذشته نصف شده است و اکنون فروشش هم چون روزهای عادی است.

به سمت مغازه میوه فروشی رفتیم. فروشنده به مردم نگاه می کرد و کاری برای انجام دادن نداشت. او گفت آن قدر کارش کساد است که کارگر استخدام نمی کند. سپس گفت: «اصلاً انگار نه انگار که عید است. هیچ بویی



عید نمی آید. پارسال خرید مردم بهتر بود» و ادامه داد: «اگر روحانی بگذارد، مردم خرید می کنند».

تعداد دیگری از شهروندان فارغ از خرید ویژه مناسبات، از تغییرات کلی که در لیست غذایشان رخ داده و یا در سال آینده تغییر خواهد کرد، صحبت کردند.

مردی که تا چندی پیش نگهبان بوده و حال به دلیل تعدیل نیرو اخراج شده است در این خصوص گفت: «غذاها از حالت پلو با گوشت و مرغ خارج شده و بیش تر به سمت خوراک و غذاهایی که باید با نان صرف شوند، می روند».

یک معلم زن گفت: «وعده شام را برای خودم، نه برای دیگر اعضای خانواده، حذف کرده ام. میزان استفاده از انواع گوشت ها را به نصف رسانده و هم چنین مقدار غذای هر وعده را برای تمام اعضای خانواده کاهش داده ام. برای خرید میوه نیز میوه های پلاسیده که ارزان تر هستند را ترجیح می دهم».

زن مسنی که بازنشسته است و از حقوق بازنشستگی اموراتش را می گذراند، با ناراحتی گفت: «آجیل نخریدیم. همسایه هایمان هم هیچ کدام نخریده اند. هیچ کس توان خرید خشکبار ندارد. سفره هفت سین نمی اندازم. پولی که قرار است برای خرید سفره هفت سین خرج کنم، نگه می دارم و چیزهای واجب را می خرم». او ادامه داد: «چند وقت است که دیگر در «خورشت گوشت قرمز نمی ریزم و به جایش مرغ می ریزم».

یک معلم زن دیگر گفت: «لبنیات به غیر از پنیر کاملاً از لیست غذایم حذف شده است. در گذشته هر روز دو تا سه میوه در لیست غذایم بود اما مدتی است چند روز یک بار یک میوه می توانم بخورم».



همان طور که در این گزارش خواندید و نیز مطابق واقعیت این روزهای مردم، قدرت خرید مردم به شدت کاهش پیدا کرده و نه تنها در اعیاد و مناسبت ها، که ماه هاست از بسیاری از اقلام و مواد غذایی مورد نیاز بدن محروم اند. هرم غذایی، تغذیه مناسب و مصرف هر یک از گروه های غذایی برای داشتن بدن و حتی روانی سالم ضروری است. مردم به دلیل افزایش گرانی ها از مصرف چندین گروه غذایی بی نصیب مانده و سلامت آنان با خطرات عدیده ای روبه رو است. این گرانی ها آن جا تشدید

می شود که مواد غذایی لازم و مناسب در اختیار کودکان، نوجوانان و افرادی که در سنین رشد هستند و هم چنین بیماران قرار نگیرد و آن ها را دچار مزید اختلالات و مشکلات نماید

سفره تهی دستان، کارگران و قشر کم درآمد جامعه بیش از دیگران مورد تهاجم قرار گرفته، از ارزش کمی و کیفی اقلام سفره ها کاسته و مواد مغذی مانند پروتئین ها، ویتامین ها و غیره جای خود را به مواد غذایی کم ارزش می دهند. ادامه این وضع حتی می تواند منجر به حذف نان از سفره ها شود

بهره مندی از تغذیه کافی و مناسب نه تنها برای سالم زیستن، ترمیم، رشد و نمو که برای حفظ بقا یک ضرورت و امری حیاتی به حساب می آید. نیازهای بنیادین و ابتدایی بشر که تغذیه مناسب یکی از آن هاست، اگر برطرف نشوند انسان را در تقلای دستیازی برای احقاق و دستیابی به این نوع نیازها که در پایین ترین سطح قرار دارند، نگاه می دارد